

قانون ممنوعیت ازدواج برای زنان تا ۴ ماه پس از طلاق در ژاپن به عنوان یک امر مورد پذیرش اجتماعی در این کشور تبدیل به قانون شده است که ریشه‌ای قدیمی در باورهای دینی و نژادی ژاپنی‌ها دارد



موارد این اختلاف نسبت میان الزامات فراگیر دینی یک جامعه با ساختارهای حقوق بشر غربی و آزادی فردی است. بحث زنان در این عرصه مهم‌ترین و پردامنه‌ترین اختلافات را برانگیخته است و امور زیرمجموعه بحث زنان، مانند حجاب، دیه، حقوق اجتماعی، آزادی‌ها و... زمینه‌ساز فشارهای بین‌المللی بر کشورهایی شده است که این قواعد اسلامی را به عنوان الزامات اجتماعی درونی خود اجرامی کنند.

جمهوری اسلامی همواره در این زمینه آماج حملات رسانه‌ای و سیاسی مختلفی بوده است و علی‌الخصوص در زمینه حقوق زنان با پیش‌داری امر حجاب، مداخلات رسانه‌ای، سیاسی و حقوقی بشری متعددی را تجربه کرده است. رویکرد مداخله‌جویانه حقوق بشر غربی و وجود قوانین دارای منشأ دینی در ارتباط با زنان و حجاب را به عنوان نمادی از نقض حقوق و آزادی‌های زنان در ایران قلمداد می‌کنند.

فارغ از اینکه مبادی الزام‌آوری قوانین پذیرای الزامات دینی در قوانین کشور هستند یا خیر، اصل این قضیه در ارتباط با قوانین ایران و ساختارهای دیگر کشورهای دیگر موارد مشابه می‌تواند به عنوان یک موضوع مطالعه تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد که آیا در دیگر کشورها نیز امور مورد پذیرش دینی به عنوان قوانین الزام‌آور قلمداد می‌شوند و ابعاد مختلف حقوق بین‌الملل در این زمینه چه سیاستی را اتخاذ می‌کند.

الزام یک امر در جامعه به عنوان قانون می‌تواند دو صورت کلی داشته باشد:

الف: امر صرفاً مورد پذیرش حکومت و هیئت حاکمه است و برای تثبیت آن، ولو خلاف نظر جامعه باشد، نسبت به انشاء قانون و ایجاد ضمانت اجرا برای رعایت آن اقدام می‌کند. موارد متعددی از این دست در جهان قابل مشاهده است، مانند:

ممنوعیت فعالیت گروه‌های فکری دارای گرایش چپ یا سوسیالیستی در ایالات متحده آمریکا؛ در این زمینه هیئت حاکمه برای تدوام حکومت لیبرال محور خود و تثبیت حاکمیت سرمایه‌داری، علی‌الخصوص در دوران جنگ سرد، خارج از اراده و خواست عمومی جامعه، ممنوعیت سختی برای فعالیت گروه‌های سوسیالیست و چپ‌گرا وضع می‌کنند.

ممنوعیت حجاب در امکان دولتی

به عنوان یک اجبار در کشور فرانسه از همین قبیل قلمداد می‌شود و در عین حال که بخش زیادی از این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند و بنا بر نظر سنجی‌های مختلف این قانون مورد پذیرش عمومی در کشور فرانسه نیست، اما هیئت حاکمه بنا بر صلاح دیدهای خاص خود تصمیم به ممنوعیت حجاب در امکان دولتی و مدارس گرفته است. شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز از این تصمیم به عنوان یک عمل محدودکننده آزادی‌های فردی در جامعه‌ای که با حجاب مخالفی ندارد یاد کرد و آن را مورد نقد قرار داد.

ب: امر مورد پذیرش عمومی جامعه است و هیئت حاکمه در راستای تثبیت موضوعات اجتماعی فراگیر و حفظ نظام اجتماعی آن را تبدیل به قانون می‌کند، هرچند این امر با اموری مانند قواعد حقوق بشر غربی و غیره در تناقض باشد، مانند:

بحث سقط جنین در ایالات متحده یکی از این موارد است. در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲ دیوان عالی ایالات متحده ضمن لغو حکم تاریخی پرونده مشهور به *Roe v. Wade* (رو علیه وید) در سال ۱۹۷۳ میلادی به ایالت‌ها اجازه داد بر اساس نظامات اجتماعی خود نسبت به تصمیم در باب امکان یا عدم امکان سقط جنین اقدام کنند که بر این اساس در ۳۳ ایالت ممنوعیت این عمل مبتنی بر باورهای اجتماعی فراگیر تصویب شد و این در حالی است که، بنا بر دیدگاه مدعیان حقوق بشر غربی، آزادی انتخاب برای زنان در باب ادامه و پذیرش بارداری یک امر قطعی است، اما باورهای عمومی و اجتماعی همواره بر قواعد کلان خارج از جامعه ارجحیت دارد.

ممنوعیت طلاق در برخی کشورها مانند فیلیپین، مالت (تا اکنون)، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، ایرلند (تا سال ۲۰۰۰)، که برخاسته از قواعد مذهبی مسیحیان کاتولیک است، به عنوان یک امر مورد پذیرش اجتماعی، تبدیل به قانون شده است و این امر با آزادی‌های مصرح در قواعد حقوق بشر غربی در تناقض است.

قانون ممنوعیت ازدواج برای زنان تا ۴ ماه پس از طلاق در ساختار قانونی ژاپن به عنوان یک امر مورد پذیرش اجتماعی در این کشور تبدیل به قانون شده است که ریشه‌ای قدیمی در باورهای دینی و

نژادی ژاپنی‌ها دارد و این در حالی است که در ساختارهای حقوق بشر غربی این امر به عنوان آزادی‌های فردی زنان در نظر گرفته شده است.

بر این اساس، باید تبیین کرد آنچه باید در باب الزام به احکام دین اسلام در جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد اصل نسبت این قانون با مناسبات و باورهای اجتماعی است، چراکه قوانین بین‌المللی مانند حقوق بشر غربی بر اساس ذات و تشریح خود نمی‌توانند با قواعد فراگیر جامعه